

کودک دل‌بسته

روش‌های نوین فرزندپروری برای پدران و مادران فرزندپذیر

فهرست مطالب

۹	سپاسگزاری.....
۱۱	تشکر و قدردانی.....
۱۳	فصل ۱ امید و شفا.....
۳۵	فصل ۲ نقطه آغاز فرزندان.....
۴۶	فصل ۳ حل معمای مشکلات رفتاری.....
۶۲	فصل ۴ خنثی کردن ترس، پاسخ‌دهی با امنیت ملموس.....
۹۱	فصل ۵ آموزش ارزش‌های زندگی.....
۱۰۷	فصل ۶ شما رئیس هستید.....
۱۳۹	فصل ۷ مواجهه با سرپیچی.....
۱۵۹	فصل ۸ استفاده از هر فرصتی برای پرورش‌دهندگی.....
۲۰۱	فصل ۹ راهبردهای کنش‌گر برای آسان‌تر کردن زندگی.....
۲۲۶	فصل ۱۰ حمایت از شیمی مغزی سالم.....
۲۴۲	فصل ۱۱ مدیریت پس‌رفت.....
۲۴۸	فصل ۱۲ خود را شفا دهید تا فرزندان شفا پیدا کند.....
۲۶۴	ترجمه پشت جلد.....
۲۶۵	منابع.....
۲۸۹	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی.....
۲۹۳	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی.....

کودک دلہستہ

امید و شفا

اغلب اوقات والدینی که به ما مراجعه می‌کنند، می‌گویند که به آخر خط رسیده‌اند. بچه کوچکی که با امیدواری به فرزندخواندگی پذیرفته‌اند، با خانواده ارتباط برقرار نمی‌کند، در موقعیت‌های معمول اجتماعی به شیوه‌هایی عجیب یا مشکل‌ساز رفتار می‌کند، محبت آنان را نمی‌پذیرد، حتی خانواده را با طغیان و قشقرق تحت کنترل درآورده و فلج کرده است. والدین فرستادن کودک به اتاق خودش و تنبیه را به‌کار برده‌اند و استفاده از دارو را هم امتحان کرده‌اند. اما واقعاً هیچ‌چیز فایده ندارد. بیهوده، کوچولو را نزد متخصصین می‌برند، انواع راه‌حل‌ها را به کار می‌گیرند و تا وقتی که شاید پسر یا دخترشان بهتر شود، زندگی خانوادگی برای آنها بیشتر رنج‌آور است تا لذت‌بخش.

خبر خوب اینکه یک امید واقعی برای کاربرد شیوه‌ای بهتر وجود دارد. ما به عنوان روان‌شناس‌های پژوهش‌گر که در زمینه رشد کودک تخصص داریم، شادمانه شاهد پیشرفت چشم‌گیر فرزندخوانده‌ها و خانواده‌های آنها هنگام به‌کارگیری فلسفه و راهبردهای گفته شده در این کتاب بوده‌ایم. وقتی که والدین این رویکرد را درست درک کنند و روش‌ها را به کار ببرند، از دیدن شکوفایی فرزندشان و ارتباط جدیدی که با خانواده برقرار می‌کند، شگفت‌زده خواهند شد. دیدن درخشش چشم‌های پدر و مادرهایی که یک بار ناامید شده بودند، لذت بزرگی برای ما دارد.

چه مانعی بر سر راه بوده است؟ بخشی از مشکل به دانش متداول دربارهٔ کودکان

دشوار بازمی‌گردد. به این مثال توجه کنید: تصور کنید برای خوردن کیک شکلاتی به خانه یکی از دوستان‌تان دعوت شده‌اید. با رسیدن به آنجا متوجه می‌شوید که آرد، شیر، تخم‌مرغ، شکر و پودر کاکائو در بشقاب‌های جداگانه گذاشته شده‌اند. میزبان از شما می‌خواهد انگشت‌تان را در هر بشقاب فرو ببرید و کمی از هر کدام را روی زبان‌تان بگذارید تا همه با هم تبدیل به یک کیک شکلاتی شوند. احمقانه است، مگر نه؟ این همان رویکرد تکه‌تکه و بی‌ارتباطی است که به شکل سنتی برای تشخیص و درمان کودکان در معرض خطر به کار گرفته می‌شود.

بسیاری از مواقع، والدین و متخصصین طوری به اختلالات رفتاری نگاه می‌کنند، انگار موضوعاتی جدای از اختلالات حسی، مشکلات توجه، محرومیت اولیه دوران کودکی، آسیب‌های عصب‌شناختی، اختلالات دلبستگی، استرس پس از سانحه و مانند آن هستند. ما رویکرد بسیار کل‌نگری را در پیش گرفته‌ایم، زیرا بر مبنای پژوهش‌های علمی فراوان پی برده‌ایم که مهارت‌های عصب‌شناختی، جسمانی، رفتاری و ارتباطی کودک با هم و در کنار هم رشد می‌کنند. یک نوزاد برای رشد و نمو، به چیزی بیشتر از آب و غذا و سرپناه نیاز دارد. او برای دستیابی به رشد مطلوب نیازمند تماس انسانی - فیزیکی نزدیک و تعامل اجتماعی است. متأسفانه ممکن است، کودکان پیش از پذیرفته شدن به فرزندخواندگی، هیچ فرصتی برای تأمین نیازهای اولیه خود به دست نیاورده باشند.

محرومیت و آسیب در سال‌های اولیه زندگی بر تمام مسیرهای رشدی کودک، همکاری، توانایی یادگیری، مهارت‌های اجتماعی، اندازه بدن، حتی مسیرهای نوروشیمی مغز اثر می‌گذارد. بروز پیامدها، ممکن است تا سال‌ها بعد از تغییر وضعیت و تمام شدن دوران مشقت‌بار به تعویق افتد. به همین دلیل است که کودکانی با سابقه غفلت یا آزار، مستعد مسائلی چون مشکلات دلبستگی، اختلال سلوک، افسردگی، اضطراب، کمبود توجه، ناتوانی در یادگیری و سایر مسائل هستند.

برای مثال:

- یک مادر زیستی که در هفته‌های رشدی مهم دوران بارداری، الکل مصرف

می‌کرده است، پسری به دنیا می‌آورد. با اینکه کودک از هنگام تولد به فرزندخواندگی پذیرفته شده است و طبیعی به نظر می‌رسد، به نقص‌های شناختی و اختلالات عصب‌شناختی مبتلا است؛ این نقایص توانایی پردازش زبان و یادگیری او را کاهش می‌دهند. همین‌طور که رشد می‌کند، مهارت‌های زبانی ضعیف و فهم‌کننده زبان باعث تفسیر اشتباه از دستورالعمل‌های والدین یا دادن پاسخ‌های عجیب و غریب می‌شود. چنین رفتارهایی به غلط از سوی بزرگسالان به عدم همکاری و مخالفت تعبیر می‌شوند و کودک را تنبیه می‌کنند. به این ترتیب ترس مزاحم کارکردهای عالی مغز می‌شود و یادگیری یا ارتباط با والدین را برای کودک دشوارتر می‌کند.

- دختر دوساله‌ای که در پرورشگاه غذای کافی نمی‌خورده است، به حد کافی از تماس بدنی و نوازش بهره‌مند نمی‌شده و مورد غفلت قرار گرفته است، به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شود. به دلیل فقدان تحریک، حواسش به شکل طبیعی رشد نکرده است. او در خانه جدید، با مناظر، صداها، بوها، مزه‌ها و احساسات فیزیکی ناآشنا بمباران می‌شود و به خاطر انتظارات اجتماعی در محیط غریبه، گیج و سردرگم است. زندگی اولیه محدود، تحمل کردن را برای او غیرممکن ساخته و در برابر استرس و ناکامی شکننده کرده است. او از طریق قشقرق و پرخاشگری - تنها روشی که بلد است - مشکل خود را بیان می‌کند. بزرگسالان که از رفتار وحشیانه او گیج و رنجیده شده‌اند، وی را به اتاقتش می‌فرستند، اما این انزوا، رشد مهارت‌های حسی یا شکل دادن پیوندهای هیجانی نزدیک با خانواده را سخت‌تر می‌کند.

با اینکه در آرزوی پاسخ سریعی هستیم، هیچ درمانی به‌تنهایی برای تمام کودکان در معرض خطر کارآمد نیست. بر مبنای پژوهش بر روی خانواده‌ها طی ده سال گذشته، به این نتیجه رسیده‌ایم که رویکردی چندجانبه، همان‌طور که والدین مشتاقانه می‌خواهند، می‌تواند به خیلی از کودکان کمک کند تا بدل به عضوی شادتر و سازگارتر در خانواده شوند. کلید حل مشکل، نه فقط تمرکز روی جنبه‌های رفتاری یا

بیماری، بلکه درمان کل وجود کودک با تمام نیازهای هم‌بسته او است. برای دست‌یابی به بهترین نتیجه لازم است که:

- پاسخ‌های ناشی از ترس را در کودک خنثی کنید.
- اقتدار والدینی واضح و حساسی را پایه‌گذاری کنید.
- یک محیط غنی از محرک‌های حسّی فراهم کنید.
- مهارت‌های اجتماعی مناسب را آموزش دهید.
- از شیمی مغزی سالم حمایت کنید.
- به کودک کمک کنید با احساسات خود ارتباط برقرار کند.
- یک پیوند هیجانی قوی بین خود و فرزندتان ایجاد کنید.

این عناصر شفاف‌بخش می‌توانند، اثرات عوامل صدمه‌زننده چندگانه قبلی، مانند محیط ناسالم پیش یا پس از تولد، سوء تغذیه، مراقبت ضعیف و ناکافی یا آزارگری را خنثی کنند. این عناصر شفاف‌بخش حتی می‌توانند مهارت‌های دل‌بستگی را فعال کنند، پیشرفت‌های غیرمنتظره در یادگیری را هدف قرار دهند و رشد جسمی را بهبود ببخشند. کودکانی که بزرگترین چالش‌های رشدی را دارند، در محیطی که از لحاظ حسّی و پرورشی غنی است، بیشترین پیشرفت را نشان می‌دهند. با فراهم ساختن چنین محیطی در کنار عشق، رهنمود و پذیرش، می‌توانید بر میراث بدرفتاری پیروز شوید و شفاف‌بخش فرزند خود باشید. به‌رحال این مسئولیت شما است که فعالانه و با کنجکاوی و علاقه، جایگاه کنونی فرزندتان را مشخص کنید و او را به سوی شفا رهنمون شوید.

هدایت و فرزندپروری مؤثر کودک در معرض خطر، همان‌طور که در این کتاب توضیح داده شده است، چندجانبه و مداوم است. این فرایند ساختن EQ (هوش هیجانی) و IQ (تسلط عقلانی) را به یک اندازه شامل می‌شود و از حس‌ها و فیزیولوژی او در کنار وضعیت روان‌شناختی‌اش حمایت می‌کند. این فرایند بدان معنا است که به فرزندتان کمک کنید با احساسات خود در تماس قرار بگیرد و هم‌زمان، به همان میزان، به نیازها، هیجان‌ها، گرسنگی، درد و ترس خود توجه کند. به این ترتیب

او در گام بعدی با دنیای اطراف خود و همین‌طور با شما به شکل آرامش‌بخشی ارتباط برقرار خواهد کرد. برای این منظور، مهارت‌های ارتباطی و راهبردهای سازگاری را به او آموزش می‌دهید تا در زندگی موفق شود. نشان می‌دهید که شما مسئول هستید، اما نسبت به نیازهای کودک هم حساس هستید. این کتاب حاوی راهبردهای کاربردی برای کمک به شما و فرزندتان در راستای دستیابی به این اهداف است.

رویکرد چندلایه ما به تعداد زیادی از نوباوگان کمک کرده است؛ از دختر سه‌ساله‌ای که هنگام تولد، درحالی‌که کوکائین و الکل در بدنش وجود داشت، به فرزندخواندگی پذیرفته شده است، تا یک نوجوان شانزده‌ساله قربانی خشونت که تا دوازده‌سالگی در محیط بی‌رحم پرورشگاه بزرگ شده بود. این رویکرد صرف‌نظر از سن، سطح رشد یا شدت و ضعف آسیب‌دیدگی، به کودکان یاری می‌رساند و می‌توان آن را در محیط خانه، اردوی تابستانی، مدرسه و مراکز درمانی اقامتی به‌کار برد.

اگر از پذیرش مشکل بترسید یا خجالت بکشید، آن‌وقت مدتی طول می‌کشد تا اقدامات اصلاحی را برای کودک شروع کنید و این خطر وجود دارد که وقتی بالآخره اقدام می‌کنید، آن‌قدر خسته و کوفته شده باشید که دیگر نتوانید مؤثر واقع شوید. والدین می‌توانند همین حالا با ایجاد تغییر در تعامل با فرزند ستیزه‌جوی خود این هزینه را بپردازند؛ یا می‌توانند بعداً این کار را بکنند؛ اما طی زمانی که انتظار می‌کشند و دست روی دست گذاشته‌اند، هزینه گزافی را متحمل خواهند شد، زیرا در این فاصله عادات بد، به صورت عمیقی شکل می‌گیرند. نظر به اینکه شما در حال مطالعه این کتاب هستید، می‌دانیم که می‌خواهید فرزندتان هرچه زودتر، از فواید داشتن عملکرد مؤثر، شادمانه و عاشقانه در خانواده شما بهره‌مند شود.

در فصل‌های بعدی، چگونگی رشد سالم کودک را شرح خواهیم داد؛ فرصتی که ممکن است کوچولوی شما از دست داده باشد. نحوه کمک برای پر کردن این جاهای خالی را بیان خواهیم کرد. اما پیش از آن می‌خواهیم بعضی از اصول فلسفه خود را بیشتر توضیح بدهیم.

شفقت به عنوان سنگ محک شما

از شما می‌خواهیم، صحنه‌ای را مجسم کنید: تصور کنید، صاحب یک فرزند زیستی سالم شده‌اید و در خانه‌ای پر از عشق، او را تا سن چهار سالگی بزرگ کرده‌اید. سپس او را می‌دزدند و به مدت سه سال شما نمی‌دانید که او زنده است یا مرده؟

در طول آن سال‌ها، فرزندان گرسنگی کشیده و مورد آزار قرار گرفته است. وقتی که سرانجام در سن هفت سالگی، به شکلی معجزه‌آسا نزد شما بازمی‌گردد، بیشتر شبیه یک حیوان وحشی و وحشت‌زده است تا بچهٔ کوچولوی کنجکاو و بازیگوشی که می‌شناختید. شما که شکرگزار بازگشت او هستید و از رنج او آگاهی دارید، روی انجام هر آنچه برای شفا یافتن از این آسیب نیاز دارد، تمرکز می‌کنید. در اولین روز بازگشت به خانه، او را به شهر بازی نمی‌برید، یا در ظرف یک هفته بدون اینکه از وی سؤال کنید، او را به مهدکودک نمی‌فرستید. می‌دانید که فرزندان به دلیل تجربه دردناکی که داشته، برای تسلی، تعلیم و شفا نیاز به هفته‌ها و ماه‌ها، پرورش و بازآموزی روزانه دارد.

گرچه نمایشنامه‌ای که ما توصیف کردیم ممکن است غلو شده به نظر برسد، اما فرزندخوانده‌ها و کودکان ساکن خانه‌های موقت نیازمند شفقت مشابهی هستند. زندگی که آنان تحمل کرده‌اند سخت‌تر از آن است که ما توان درک آن را داشته باشیم. با شفقت، می‌توانید درون قلب فرزندان را ببینید و اختلالات و ترس عمیقی که آنان را به سوی رفتار ناسازگار کشانده است - ترس از رها شدن، گرسنگی، بودن در محیط ناآشنا، از دست دادن کنترل و صدمه دیدن - به رسمیت بشناسید. شفقت به ما کمک می‌کند تا انتظارات واقع‌بینانه‌تری داشته باشیم و درک کنیم کودک، خودسر یا آشوبگر نیست. بلکه فقط در حصار محدودیت‌های ذهنی و درک اجتماعی خود، به بهترین شکل برای نجات خود، تلاش می‌کند.

شفقت به شما کمک می‌کند، در برابر نیازمندی عمیق کودک و برای بخشیدن او وقتی موضوعی بنیادین، مفاهیمی مانند چگونگی نشستن سر میز ناهارخوری همراه با سایر اعضای خانواده، استفاده از دستمال توالت، یا درک حالات هیجانی در چهره

دیگران را نمی‌فهمد، بردبار باشید. شفقت به شما کمک می‌کند، کودک را به خاطر فریبکار بودن ببخشید، زیرا درک می‌کنید که قبل از پیوستن به خانواده شما، مجبور بوده است با تکیه بر هوش خود نجات یابد و فریبکاری یک راهبرد آموخته شده برای بقا است. حفظ شفقت نقطه عطفی است که ما را به صبوری و استقامت برای ادامه دادن تلاش، در روزهای سخت تشویق می‌کند.

درنهایت، این کودکان نامیدانه می‌خواهند دل ببندند و کامیاب شوند، اما نمی‌دانند چگونه. به عنوان والدین، وظیفه ما است که راه را به آنها نشان دهیم.

پلی به سوی دنیا

هنگامی که نوزادی با شرایطی مثل فلج مغزی متولد می‌شود، مادرش ممکن است با نهایت شدت از فرزندش مراقبت کند. این مادر و کودک در برابر جهان می‌ایستند، یک تیم را تشکیل می‌دهند. والدین می‌دانند که مسائل کودک، خصومت شخصی با آنها نیست. او قطعاً تمایلی به فلج بودن نداشته است.

اما این مرزها درباره کودکانی که از آسیب قبل از تولد یا آسیب زودهنگام پیش از فرزندخواندگی رنج می‌برند، نامعلوم است. کودک ناتوانی یا معلولیت قابل مشاهده‌ای ندارد، در نتیجه رفتار از هم‌گسیخته‌اش تهاجمی به نظر می‌رسد، سپس تبدیل به یک دور معیوب می‌شود. کودک آسیب خورده یا آزاردیده (از طریق فریاد کشیدن، آب دهان انداختن، گاز گرفتن، کتک زدن یا دروغ گفتن) برون‌ریزی دارد، یا (از طریق پس کشیدن، پنهان شدن، فرار کردن، افسرده و عبوس شدن، یا بی‌تفاوتی) درون‌ریزی می‌کند. در حقیقت برخی از کودکان، در زمان‌های مختلف، هر دو را انجام می‌دهند. ممکن است، در مقابل او را تنبیه یا ایزوله کنید؛ در این صورت کودک رها شدن، طرد و تنهایی اولیه خود را دوباره به طور کامل تجربه می‌کند. احساس می‌کند به تله افتاده است و به انتخاب‌های غلط ادامه می‌دهد.

کودکان در معرض خطر به راحتی احساس می‌کنند کنار گذاشته شده، به کناری رانده شده و در برابر دنیا تنها هستند. با وجود چنین احساساتی بدیهی است که آنها دست به نزاع، فریبکاری یا گریز می‌زنند؛ بعد از آن تنها توجهی که از یک بزرگسال

می گیرند، سرزنش پایان ناپذیر و تنبیه است. به زودی این عملکرد بد تبدیل به عادت می شود و کودک یاد می گیرد، از طریق برون ریزی در جستجوی توجه آشنا و در دسترس باشد. چه روش ترسناک و تأسف باری برای زندگی!

شما با ساختن پلی به سوی دنیا، برای فرزندخوانده های در معرض خطر خود، از فرصت بی همتایی برای تغییر این نمایشنامه برخوردار هستید. شما و سایر اعضای خانواده می توانید پناهگاهی امن و هم پیمانی مشتاق برای شراکت در نگرانی های آنها باشید.

ما شما را تشویق می کنیم، خود و فرزندتان را ببینید که در کنار هم آماده رویارویی با هر مشکلی هستید. برقراری این اتحاد تنها در کلام نیست، بلکه در زبان بدن، حالت و وضعیت بدنی و صدا نمود می یابد. پیشنهاد می کنیم در آینه نگاه کنید و از خود بپرسید: *انگشتم را به شکلی تهدیدآمیز به طرف او تکان می دهم؟ آرواره هایم محکم شده اند و دست هایم باحالتی پرخاشگرانه روی ران هایم قرار دارند؟ پیام اولیه ای که فرزندم دریافت می کند، چیست؟ آیا فرزندم علیه من است یا من و او در کنار هم هستیم؟*

ما شاهد پیشرفت شگرف بچه ها و خانواده های آنها در مدت زمانی کوتاه بوده ایم، اما نگهداری این دستاوردها مستلزم تعهد و تغییر بنیادی در دیدگاه والدین است. به جای دیدن خود در جایگاه یک قربانی ناتوان به نقش خود به عنوان شفیق، هدایت گری پرورش دهنده و هم پیمانی برای کوچولوی تان توجه کنید. حتی وقتی اصلاً محرک رفتارهای کودک را درک نمی کنید، با نیازهایش محترمانه و با ملاحظه برخورد کنید.

ما به هیچ وجه رفتار آسیب زا یا وحشیانه کودک را تحمل نمی کنیم، در عین حال به این دلیل او را تنبیه، طرد یا تطمیع نمی کنیم، زیرا این راهبردها در درازمدت موفقیت آمیز نخواهند بود. در عوض، با آرامش و قاطعانه رفتار بد را متوقف کرده، نیازی را که محرک این رفتار است، شناسایی می کنیم؛ به کودک نشان می دهیم چگونه با شیوه ای مناسب به اهداف خود دست یابد و بعد او را بابت انجام آن تحسین می کنیم.

وقتی شما در نقش راهنما، مشوق و حامی ظاهر شوید، روزها پر از فرصت می‌شوند؛ فرصت‌هایی برای نشان دادن نحوه اصلاح اشتباهات به فرزندتان، تمرین کارهای درست، بیان نیازها از طریق کلمات به جای رفتارها و دریافت بازخورد مثبت بابت تلاش‌هایش. همین‌طور که به کودک کمک می‌کنید مهارت‌های اجتماعی و احساس امنیت در این دنیا را شکل دهد، اعتماد عمیق او را جلب می‌کنید. هنگامی که فرزندتان واقعاً احساس امنیت کند، درها به روی تغییرات جدید گشوده خواهند شد.

مشاهده نزدیک

شما به‌سادگی، با مشاهده کردن می‌توانید بینش فوق‌العاده فراوانی در خصوص نیازهای کودک و آنچه پشت طغیان‌های او پنهان شده است، به دست آورید. جزئیات کوچک در زبان بدن و رفتار، پیامی که کودک قادر به بیان مستقیم آن نیست را انتقال می‌دهند. دو مثال در این باره:

- هنگامی که پسران را در مدرسه گذاشته و قصد رفتن دارید، دست‌هایش را محکم مشت می‌کند و نور از چشمانش می‌رود. استنباط می‌کنید تنش دارد و حسابی گوش‌به‌زنگ است زیرا ناامیدانه از جدایی و محیط جدید می‌ترسد. با داشتن این اطلاعات، می‌توانید به او برای داشتن احساس امنیت و راحتی بیشتر در محیط جدید کمک کنید.
- دختر کوچولوی تان تا قبل از اینکه مربی پیش‌دستانی گِل سفال‌گری را بین بچه‌ها پخش کند، کارش را به‌خوبی انجام می‌دهد. در این زمان، فرزندتان دیگر همکاری نمی‌کند یا پرخاشگر می‌شود. به خاطر می‌آورید که او چنین واکنش‌های غیرمنتظره‌ای به صابون مایع و سایر تجربیات لامسه‌ای داشته است، شما در خصوص ابتلای دخترتان به یک اختلال پردازش حسی به نام تدافع لمسی مشکوک می‌شوید. احساس چیزی شل و نرم در دستش احساسی غریب و ناراحت‌کننده است. با دانستن این موضوع، به دنبال راهی می‌گردید تا فرزندتان بتواند با این احساسات کنار بیاید.

به مشاهده زبان بدن کودک پردازید، به‌طور خاص به دنبال نشانه‌های ترس، علائم بدکارکردی پردازش حسّی و حتی نشانه‌های ظریف تشخیص داده نشده تشنج باشید. از خودتان سؤال کنید: چه چیزی فرزندم را آرام می‌کند؟ چه چیزی انفجار ایجاد می‌کند؟ آیا او به دنبال لمس شدن است یا از آن اجتناب می‌کند؟ آیا به صدای مشخصی، پاسخ مثبت می‌دهد یا از آن وحشت‌زده می‌شود؟ زبان بدن او چه می‌گوید؟ فرایند شفا را با تهیه و نگهداری گزارش روزانه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های روزانه کودک آغاز کنید. رویدادهای معمول را موازی با رفتارهایی که همراه این رویدادها هستند، مشخص کنید. بعد از حدود یک یا دو هفته گزارش‌نویسی والدین متوجه پدیدار شدن الگوها می‌شوند.

معمولاً مشکلات هنگام انتقال از یک موقعیت یا فعالیت به موقعیتی دیگر و در خلال فعالیت‌های گروهی یا فعالیت‌های بدون ساختار بروز می‌کنند. به‌عنوان مثال، گذاشتن کودک در مدرسه، وقتی دوستان به خانه‌های خود می‌روند، وقتی برنامه‌های والدین به شکل غیرمنتظره تغییر می‌کنند، در جشن‌های تولد، در یک شهر بازی شلوغ و حتی هنگامی که از کودک می‌خواهیم دست از بازی کردن بردارد و برای غذا خوردن بیاید. گزارش رفتاری روزانه به شما در شناسایی رویدادهایی که برای کودک بیشتر استرس‌زا یا چالش‌برانگیز هستند، کمک می‌کند. با در دست داشتن این اطلاعات، راهبردهایی را برای کمک به فرزندان انتخاب خواهید کرد تا او بتواند به شکلی اثربخش با چنین موقعیت‌هایی روبه‌رو شود.

حمایت از شیمی مغزی سالم

شیمی مغز فرزندخوانده‌ها و کودکانی که در مراکز شبه‌خانواده زندگی می‌کنند، در نتیجه مستقیم محرومیت زودهنگام، زیر سطح بهینه قرار دارد که می‌تواند حتی بعد از سال‌ها زندگی در خانه‌ای که کودک در آن به فرزندخواندگی پذیرفته شده است نیز به همین صورت باقی بماند.

به‌عنوان بخشی از مسیر شفا، همیشه لازم است که از عملکرد مغزی سالم حمایت